

#### یادداشت شفاهی

#### نبود امنیت شغلی



■ نبود امنیت شغلی بزرگ‌ترین مساله سینماگران ماست. به جشنواره فیلم فجر سال قبل و تیزتراز فیلم‌ها نگاه کنید. چندفیلمنامه توسط افراد حرفه‌ای نوشته شده است؟ از نیروهای تخصصی و صنفی استفاده نمی‌شود. به همین دلیل برقراری نظام امنیت شغلی که نیازمند نظام جامع پیمان دستمندی کار است باید توسط همه رعایت شود. تعهد صنف و اجرای این پیمان برای استفاده از نیروهای متخصص، خیلی مهم است. هرچند منظور ما به‌کارگیری نیروهای تازه نیست. ما در این پیمان دسته‌جمعی کار پیشنهاد کردیم. اگر تهیه‌کننده‌ای مایل است از نیروی تازه‌کار استفاده کند، درصدی از دستمزد متعارف فرد حرفه‌ای را به صندوق بیکاری پرداخت کند تا به این ترتیب نیروی تازه‌توان‌دار سیستم سینما و عضو خانه سینما شود. ضمن اینکه زمینه برای حمایت از نیروهای حرفه‌ای صورت می‌گیرد.

#### آینده‌های روبه‌رو

#### باید سینما را از نو ساخت



■ سینما در کشور ما بیشتر یک هنر محسوب می‌شود تا صنعت. اگر سینما به عنوان یک صنعت محسوب می‌شد، وضعیت فرق می‌کرد. در آن صورت بود که تابعی از متغیرهای موجود در این حوزه قابل ارزیابی و تاثیرگذاری می‌شد. متغیرهایی همچون سرمایه‌گذار، سود، تکنولوژی، بخش سخت‌افزاری همچون سالن‌های سینما و نمایش فیلم یا بخش نرم‌افزاری مانند پرورش مخاطب و نیاز به ایجاد تماشاگر. در حال حاضر از یکسو سینما نادریم و از سوی دیگر، مردمی که عادت به تماشاى فیلم داشته باشند در کشور ما شکل نگرفته‌اند. تنها پیشنهادی که می‌توانم در این شرایط بدهم این است که باید از نو سینمای ایران را ساخت چون مشکلات ما ریشه‌ای و عمیق‌تر از آن است که یک معاونت سینمایی در یک دوره بتواند آنها را رفع کند. هر دولتی با توجه به درک خود سعی دارد مسایل را حل کند اما قبل از هر تغییر و تحولی باید نسبت به سینما در ذهن مدیران شناخت به وجود بیاید. خانه‌سینما و معاونت سینمایی براساس دریافت خود از این هنر عمل می‌کنند منتها مراتب آگاهی هر یک از آنها درباره مشکلات، شدت و ضعف دارد. برهمن اساس است که نتایج کارها شدید، ضعیف یا مخرب می‌شود.

#### نگاه

### همه می‌خواهند سینما را هدایت کنند



■ در کشورهای دیگر، معمولاً دولت‌ها کمتر در سینما دخالت می‌کنند یعنی سینما به‌طور طبیعی باید رابطه میان مردم و فیلمساز باشد. کارگردان باید فیلم را بسازد و مردم آن را تماشا کنند اما کشور ما انگار همه دوست دارند سینما را هدایت کنند و معلوم نیست فیلم برای چه کسی ساخته می‌شود. به‌نظرم باید پروانه ساخت و نمایش از سوی اصناف داده شود و هرچه صنفی‌گرایی فراگیرتر شود، بهتر است. به عنوان یک تهیه‌کننده، عدم تناسب میان تولیدات و سالن‌های نمایش یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سینمای ایران است. استثنائاً تولیدات ما از سالان‌هایمان بیشتر است و به همین دلیل مشکلات عدیدهای را برای تولیدات سینما ایجاد کرده است اما به عنوان یک فیلم‌نامه‌نویس باید بگویم ما با محدودیت در ژانر مواجه هستیم، ما باید در مورد موضوع‌های محدودی فیلم بسازیم که بیشتر آنها در طول سال‌ها ی گذشته پرداخته شده‌اند. البته مسایل بسیار دیگری مانند نبود بازیگر ستاره و نیروی مازاد بر تقاضا در برخی از رشته‌ها مثل کارگردانی و بالهکس وجود دارد که همه این مشکلات در زیرمجموعه‌های بعدی قرار می‌گیرند. اگر به مجموعه سینما کمک کنیم، نمی‌توانیم معاونت سینمایی را مجزا از تمام جریانات جامعه قرار دهیم. چرا که از جریانات مختلف اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و دیدگاه آن منتج از چنین اتفاقی‌هایی است. بار برخی از معاونت‌های سینمایی به سینماگران نزدیک‌تر و تعدادی، دورتر بوده‌اند اما هیچ‌وقت هیچ معاونتی نگفته است که می‌خواهد به سینما لطمه بزند. در مقابل خانه‌سینما به عنوان محلی که اصناف مختلف دور هم جمع می‌شوند، اهمیت زیادی دارد اما یک ایراد خانه‌سینما این است که از بدنه تهیه‌کنندگان دور شده. حدود ۲۵صنف گرد هم می‌آیند تا یک فیلم ساخته شود ولی تا به حال خانه‌سینما در قبال مشکلات تهیه‌کنندگان بسیار کم موضوع گرفته و امنیت شغلی آنها کمتر دیده شده است. از آنجا که ایرانیان ضد سرمایه‌داری هستند برعکس اروپاییان که کارآفرینان را تشویق می‌کنند، تهیه‌کنندگان به خودی خود خیلی مورد حمایت قرار نگرفته‌اند.

هنگامی که جواد شمقدری از مشاورت احمدی‌نژاد به عنوان معاون سینمایی انتخاب شد، یک نکته بر بقیه موارد ارجحیت داشت، بروکراسی کمتر شد. شمقدری که در دوران وزارت صفا هر ندی در نقش مخالف برخی سیاست‌ها ظاهر شده بود، اینک خود می‌توانست درباره بسیاری از مسایل تصمیم بگیرد. رفع توقیف فیلم‌ها آغاز شد. جلسات با سینماگران آغاز شد اما... چندی است که مدام خبر استعفا یا برکناری جواد شمقدری در مجامع مطرح می‌شود. هرچند خود او منشا خبر را رسانه‌های خارجی می‌داند و کسانی که نمی‌گذراند او کار کند و در نهایت نیز عنوان می‌کند تا زمانی که به حضور او نیاز داشته باشند، بر این صندلی می‌نشینند و تاکید کرد در نهایت پست‌ها در دولت دهم همیشگی نیست.

#### ویژگی‌ها

در طول این دو سالی که از حضور جواد شمقدری و همراهش سجادی‌پور در مقام مدیر کل نظارت و ارزشیابی می‌گذرد، چند ویژگی درباره آنان قابل توجه است. فریدون جبرانی در برنامه هفت می‌گوید: «در طول ۳۰ سال گذشته جواد شمقدری و علیرضا سجادی‌پور تنها مدیرانی بودند که همیشه تلاش کردند به همه انتقادات و اظهار نظر‌ها پاسخ دهند.»

اما این تنها ویژگی مدیریت کنونی نیست. وضع قوانین به یکبارگی و بدون هیچ برنامه از پیش تعیین شده‌ای، البته این قوانین کمی بعد هنگامی که با اعتراض واکنش‌های سینماگران روبه‌رو می‌شوند، آن قوانین لغو می‌شود. این اتفاق در سال اول حضور بیشتر بود و انگار با بالا رفتن تجربه، آنها کمتر این شیوه را تکرار کردند.

#### واکنش‌ها

هنگامی که سینماگران از سختی شرایط بعد از حذف یارانه‌ها گفتند، سجادی‌پور به عنوان پاسخگو از بررسی شرایط می‌گفت: «بحث هدفمندی یارانه‌ها در سینما نیز مانند همه جا پس از انجام، بررسی می‌شود و به طور قطع وزارت ارشاد در حال بررسی وضعیت و ارزیابی سینماست. ما نیز اعتقاد داریم که افزایش هزینه‌ها بر سینما تاثیر داشته است اما به‌طور قطع دولت به سینما نیز توجه کافی خواهد کرد. ما نباید نگران تعداد محدودی از مخاطبان سینما باشیم، باید نگران چند میلیون نفری باشیم که با سینما قهر کرده‌اند و این مشکل از تولید آثار نشأت می‌گیرد. با توجه به تولید خوب سینمای ایران در سال آینده امیدواریم این قهر سینمایی برطرف شود.»

#### دستورات

جواد شمقدری طی نامه‌ای به علیرضا سجادی‌پور با توجه به تجربه ناموفق نمایش تک سانس فیلم‌های سینمایی دستور به حذف این شیوه نمایش داد.

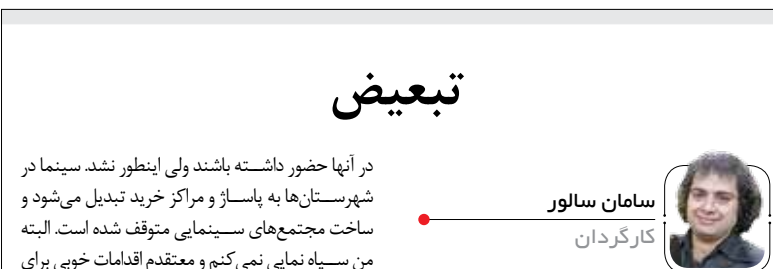
قرار شد اقدام لازم حداقل در ۱۰ سالان سینما به جهت ساماندهی اکران فیلم‌های مخاطب خاص صورت پذیرد و در صورتی که بخش خصوصی آمادگی این هماهنگی را نداشت با کمک موسسه سینما شهر نسبت به برنامه‌ریزی برای اکران در این سالن‌ها بر اساس درخواست تهیه‌کنندگان، هماهنگی و حمایت‌های لازم صورت پذیرد.

یکی دیگر از اتفاقات این دو ماه گذشته، دخالت در قراردادهای بازیگران بود و اعلام شد مدیر کل ارزشیابی و نظارت بر سینمای حرفه‌ای ضمن اعلام لغو این قرارداد و قراردادهای مشابه متذکر شد که به طرفین قرارداد یعنی تهیه‌کننده و

## مدیران سینمایی سیاسی هستند نه فرهنگی



■ ■



از مرحله پیش‌تولید تا زمان اکران یک فیلم مشکلات فراوانی در سینمای ما وجود دارد اما مهم‌ترین آن، مساله تبعیض است. اگر تبعیض‌ها از میان می‌رفت، خیلی از فیلمسازان می‌توانستند راحت‌تر کار کنند. مسوولان بارها گفته‌اند، می‌خواهند فیلم‌های فرهنگی اکران شود ولی حتی نمی‌پذیرند این فیلم‌ها در سه، چهار سال بخش شوند. امیدوارم روزی برسد که برای ساخت فیلم فرهنگی شرمندۀ نشویم و فیلمی که به مخاطبش با احترام نگاه می‌کنند به دنبال بخش سیاسی باشند. در مدیریت سینمای ما حاکم است. در این شرایط باید افرادی روی کار



بازیگر مورد نظر شدیداً تذکر داده شده و در پرونده کاری آنان تبویخ درج می‌گردد و این قرارداد که لغو شده در آینده کاری هر دو طرف تاثیر کملاً منفی از نظر این اداره کل خواهد داشت، تاکید اصلی این بود که قرار است: «معاونت سینمایی با هر گونه فعالیت محل امنیت و آرامش صنوف سینمایی بر خورد ندارد کرد و قراردادهایی که به فضای اعتماد و امنیت شغلی صنوف لطمه بزند، از نظر این اداره کل کاملاً باطل است.»

در این مدت مسوولان سینمایی اصرارشان بر چند نکته مشخص است.اتلاف با خانه سینما و ساختن نهادهای موازی با این نهاد صنفی است. البته نویدهای جدیدی هم داده می‌شود

مانند اینکه اعلام شده است: «تمام سلیقه‌ها می‌توانند فیلم سیاسی‌سازند.» علیرضا سجادی‌پور به خبر گزاری‌ها گفته است: «چشم‌انداز سینمای ایران در سال ۹۰ روشن است، من سال ۸۹ این‌بار را داشتم که ما هنوز به آنچه می‌خواهیم، نرسیده‌ایم، اما سال ۹۰ از نظر کمی و کیفی در سینما رشد خواهیم داشت. گروهی معتقدند سال ۸۹ در دهه گذشته بدترین سال سینمایی بوده در حالی که این‌طور نیست. اواسط سال ۸۹ و با توجه

به تولیداتی که داشتیم، به این باور رسیدم که سال ۹۰ سال خوبی برای سینمای ایران است، بخشی از این جذابیت‌ها و قابلیت‌ها را در بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر دیدیم. امسال با فعالیت درست شورای صنفی نمایش و برنامه‌ریزی منظم می‌توانیم رشد قابل‌توجهی در زمینه جذب مخاطب برای فیلم‌ها شاهد باشیم.»

البته او تعریفی هم از سینمای سیاسی ارائه داده است: «گام اول برای تولید فیلم سیاسی، آسان‌گیری و سهل‌گیری است تا

سلیقه‌ها و ذائقه‌های مختلف بتوانند انتقادهایشان را مطرح کنند تا جایی که به منافع ملی ضربه‌ای وارد نشود. توجه به این سینما می‌تواند باعث جذب عمداً از مخاطبان بالقوه سینمای ایران شود که سال‌هاست به سینما نمی‌روند.» اما در نهایت با تمام این

تعریف‌ها هنوز ساخته‌های سینماگران مستقل به‌نتیجه‌نرسیده است و فیلم‌های سیاسی منتهی شد به ساخت اثری همچون قلادهای طلایی و پایان نامه.

**عملکرد**
ساخت نهادهای موازی از اتفاقات این مدت است و یکی از مهم‌ترین دعو‌های بین سینماگران چندی پیش اتفاق افتاد که بین‌شورای عالی تهیه‌کنندگان و اتحادیه‌شماره دو تهیه‌کنندگان

## حرف دل و زبان مسوولان بایدیکی باشد



■ ■



مشکلات سینما در شغل‌ها و رشته‌های دیگر هم وجود دارد و تنها مختص یک صنف خاص نیست. اما بزرگ‌ترین مساله‌ای که فکر می‌کنم اکنون باید به آن پرداخته شود، مشخص نبودن و عدم شفافیت قوانین و مسایل کاری است. قوانین برای ما روشن نیست و نمی‌توانیم خیلی از موضوع‌ها را مطرح کنیم حتی در مورد کمک‌هایی که دولت می‌تواند در اختیار سینماگران قرار دهد، توافق وجود ندارد و به دلیل همین ضوابط تعریف نشده است که عده‌ای پروژه‌های میلیاردی می‌گیرند. همه این مسایل باعث ایجاد اختلاف و تشکیل گروه‌هایی می‌شود که می‌توانند از رانت‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی استفاده کنند. در نهایت به یکدستگی میان صنف از میان می‌رود. اگر این دستمندی‌ها و نحوه توزیع منابع شفاف شود و مسوولان پاسخگو باشند، مسایل ساده‌تر می‌شوند. فراموش نکنیم یکی دیگر از مسایل و خواسته‌ها در سینمای ایران این است که سینما باید توسط بخش خصوصی اداره شود و دولت تنها جنبه حمایتی داشته باشد. پیشنهاد می‌کنم شفاف‌سازی قوانین و آزادسازی بخش خصوصی انجام تا بخش زیادی از معضلات سینما حل شود. اکنون مجموعه‌ای از کارها و برنامه‌ها در حال انجام است، اما این نظرات و برنامه‌ها وقتی نتیجه می‌دهند که بخش خصوصی بدون ترس و لرز مورد حمایت قرار بگیرد. متأسفانه هیچ‌کدام از معاونت‌های

#### کاغذ بی‌خط

#### متحد شویم



■ مهم‌ترین مشکل سینمای ایران، اختلاف‌هایی است که وجود دارد. تهاجم از بیرون به سینماگران خیلی زیاد است برای همین تنها راه‌حل، متحد شدن سینماگران است تا این اتحاد به عنوان یک ضربه‌گیر عمل کند و فشارها کمتر شود. این اختلاف‌ها باعث شده سیستم، اسجام لازم را نداشته باشد و سینما روز به‌روز نزحیف‌تر شود. ما باید متحد شویم تا بار دیگر جایگاه سینما را به دست بیاوریم. سینمایی‌ها مطالبات زیادی دارند و تنها چاره رسیدن به خواسته‌هایشان اتحاد است. ما باید دست به دست هم بدهیم. اعضای خانه‌سینما از طیف‌های مختلفی شکل گرفته‌اند و در کنار هم قرار دارند و هریک از آنها می‌توانند با نهاده‌ا و افراد دیگر مذاکره کنند تا بتوانیم از حقوق خودمان دفاع کنیم. متأسفانه اختلاف‌هایی که به وجود آمده، باعث شده نیرویی که می‌تواند برای افزایش قدرت سینماگران مورد استفاده قرار بگیرد، در پی خنثی کردن همدیگر صرف شود. خانه‌سینما برای کمک به حل مشکلات سینما می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد اما با اقداماتی که گاهی انجام می‌دهد، به این اختلافات دامن می‌زند. خانه‌سینما و معاونت سینمایی هریک از منظر خودشان مشکلات را می‌بینند و بر همین اساس تصمیم می‌گیرند، در حالی‌که ما باید فکر کنیم، همه از یک بدنه هستیم و سینمای ما برای بالنده شدن به اتحاد نیاز دارد. در طول این سال‌ها معاونت‌های سینمایی مختلفی روی کار آمده‌اند و هر کدام نگرش‌های مختلفی نسبت به سینما داشته‌اند. فراموش نکنیم در نهایت آنها نماینده حکومت هستند و باید در قبال عملکردی که دارند به دولت پاسخگو باشند. آنها توان انجام کار خارج از چارچوب‌های فکری دولت را ندارد. برای همین ما سینماگران باید بینیم در میان قوانین و امکانات موجود چگونه می‌توان معاونت سینمایی را با خود همسو کرد و گرنه معاونت سینمایی به دنبال اجرای کردن خواسته‌هایی است که دولت و مجلس از او انتظار دارد.

#### واکنش پنجم

#### عدم برابری



■ بزرگ‌ترین مشکل سینماگران در وهله اول مسایل مادی و اقتصادی است. در سینمای ما برابری وجود ندارد. یکسری به عنوان نور چشمی با امتیازهای ویژه‌وام می‌گیرند و فیلم‌های سفارشی به اصطلاح فاخر می‌سازند که باید دید کدام یک واقعا فاخر است. آیا یک فیلم تاریخی در سینمای ایران ساخته شده است که با فیلم‌های تاریخی جهان برابری کند؟ مساله بعدی بحث ممیزی است که دست از سر سینماگران برنمی‌دارد. نتیجه چنین کاری تولید فیلم‌های خنثی و تقلبی است. به نظرم شورای تصویب فیلمنامه باید حذف شود چون یک نهاد اضافه است. تهیه‌کنندگان و بخش خصوصی می‌توانند چگونه باید فیلم بسازند و بخش دولتی باید به آنها اطمینان داشته باشد حتی اگر قرار است ممیزی صورت بگیرد. شورای ارزشیابی می‌تواند این کار را بعد از تولید، اعمال کند. شورای تصویب فیلمنامه با ممیزی پیش از ساخت، جلو حرکت و موضوع‌های در دست ساخت خیلی از سینماگران را می‌گیرد. کارهای این شورا، وضعیت فیلمسازی را مغشوش کرده است. سینماگران فیلمنامه‌های مورد نظر خود را به سختی می‌نویسند و چند نفر در شورای تصویب فیلمنامه به راحتی آن را رد می‌کنند یا ایراد می‌گیرند، بنابراین زمان بیهوده‌ای صرف چنین اقدامی می‌شود.درحالی‌که می‌تواند این‌طور نباشد. شاید این خواسته خیلی ایده آل باشد اما عملکرد شورا در زمان بررسی فیلمنامه بیهوده است. مدیران معاونت سینمایی هم اگر می‌توانستند کاری در پیشرفت سینما انجام دهند که البته نتوانستند، در این سال‌ها انجام می‌دادند. سال‌هاست سینماگران مشکلات خود را می‌گویند و حرف‌هایشان را می‌زنند اما مدیران تنها حقوق می‌گیرند و نتیجه کارشان آزمایشی شده است. تغییر مدیران مختلف به کلیت سینما لطمه زده است، مثلاً مدیر یک جشنواره هر سال عوض می‌شود.درحالی‌که باید یک نفر به عنوان مدیر ثابت انتخاب شود تا برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت صورت بگیرد. در هر دوره باید مصطفی‌های وجود داشته اما شاید فقط در دو دهه ۶۰، سینمای ایران به‌خاطر تاتلش‌های اهالی خودش امتیازهایی داشت چون از لحاظ اقتصادی ساختن یک فیلم ارزان‌تر بود اما الان کسی ریسک نمی‌کند و فروش فیلم‌ها خیلی پایین است. دلخوش کردن به فروش بالای دو فیلم که به زور تبلیغات گسترده حاصل شده است، کمکی به اقتصاد سینما نمی‌کند. در این میان فعالیت خانه‌سینما خوب و لازم است به شرطی که از سوی دولت مورد حمایت قرار بگیرد. زمانی که خانه سینما مورد حمایت مالی قرار بگیرد، قدرتی ندارد و کاری از دستش بر نمی‌آید.